

بر همکنش‌های اقتصادی - سیاسی جوامع جنوب شرقی فلات ایران با شبه‌قاره هند و

میان‌رودان (در طی هزاره سوم ق.م؛ مطالعه موردی، تجارت سنگ‌های قیمتی)

۱- حمیدرضا قربانی ۲- حسین کوهستانی ۳- کاووس خسروی

چکیده

تحلیل روابط درون و برون منطقه‌ای هزاره سوم در جنوب شرقی فلات ایران با شبه‌قاره هند و میان‌رودان براساس سنگ‌های ارزشمند و قیمتی، مساله اصلی پژوهش حاضر است. یکی از مهم‌ترین راه‌های درک روابط و بر همکنش‌های اقتصادی - سیاسی جوامع اواخر پیش از تاریخ و آغاز تاریخی، مقایسه و مطالعه فرهنگ مادی است. با توجه به اینکه هزاره سوم ق.م در فلات ایران، دوره گسترده‌ای بر همکنش‌ها محسوب می‌گردد، بسط و توسعه مبادلات اقتصادی - سیاسی در پیشرفت جوامع بسیار تأثیرگذار بوده است. در این خصوص محوطه‌های باستان‌شناختی شاخص در جنوب شرقی ایران شایان توجه هستند. محوطه‌های جنوب شرقی فلات ایران در روند تجارت، نقش واسطه صرف را بازی نمی‌کرده‌اند، بلکه بعد از وارد کردن مواد خام، با ساخت و پرداخت مواد تجاری و تبدیل آن به کالاهای آماده یا نیمه‌آماده آن را به سایر نقاط صادر می‌کرده‌اند. روش پژوهش حاضر براساس اطلاعات حاصل از کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی حوزه مورد مطالعه و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه توسعه روابط تجاری و به‌ویژه تجارت فرامنطقه‌ای به‌عنوان عاملی مهم در گسترش و توسعه استقرارهای هزاره سوم عمل نموده است.

کلید واژه‌ها: هزاره سوم ق.م، بر همکنش اقتصادی - سیاسی، جنوب شرق ایران، شبه‌قاره هند، بین‌النهرین.

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) Email: ghorbani.hr@birjand.ac.ir

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند

۳- کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

۱- مقدمه

پرداختن به موضوع بر همکنش‌های اقتصادی یکی از مؤلفه‌های بازسازی تاریخ اجتماعی جوامع بشری براساس مدارک مادی است که از نیمه قرن بیستم در چارچوب مطالعه‌ی تغییرات سازمان‌های اجتماعی باستان مورد توجه قرار گرفت. از نیمه قرن بیستم به بعد تلاشی صورت پذیرفت تا تغییرات فرهنگی جوامع گذشته در رابطه با منابع زیست‌محیطی و از دیدگاهی فرآیندمحوری و تطورگرایانه توضیح داده شود (Steward, 1942: 337-43). این مباحث رفته-رفته در قالب بررسی پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی و مطالعه روابط و مناسبات پیش‌گفته در جوامع باستان، گسترش و بهبود یافت (Polanyi, 1963: 30-45). تحت‌تأثیر رویکردهای باستان‌شناختی جدید در راستای بازشناسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی جوامع باستان، موضوعاتی نظیر سازمان و مقیاس تولید و توزیع، و بر همکنش‌های فرهنگی مطرح شد (Costin, 1991: 1-55). در جریان بر همکنش‌های فرهنگی بین مناطق مختلف در آسیای جنوب‌غربی، شبکه‌های تجاری، ساز و کارهای تبادل مواد خام و دست‌ساخته‌ها، و ارتباطات برون منطقه‌ای پدیدار شد؛ زمینه‌ی جابجایی افراد جوامع و انتقال اندیشه‌ها فراهم گشت؛ ارکان سیاست و نهادهای مرکزی شکل گرفت؛ و پیچیدگی‌های اقتصادی-اجتماعی و تخصص‌پذیری به‌وجود آمد (Brumfiel and Earle, 1971: 1-9). فلات ایران نیز نقش مهمی در فرایند تحولات هزاره‌های چهارم و سوم ق.م در آسیای جنوب‌غربی ایفا نموده است (توزی و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۱۰-۲۶۱).

روابط فرهنگی میان ایران و همسایگان خود از جمله میان‌رودان و شبه‌قاره هند، سابقه هزاران ساله دارد. روابط این مناطق با یکدیگر یکی از مهم‌ترین مباحث رایج در باستان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، سیاست و فرهنگ و هنر است که از دیرباز مورد توجه محققان رشته‌های مختلف بوده است (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۵۰-۱۵۲). قرارگیری این تمدن‌ها در کنار یکدیگر موجبات تأثیر و تأثرات بسیار زیادی را فراهم نموده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که این تأثیر و تأثرات را مورد مطالعه قرار می‌دهد، باستان‌شناسی است که می‌تواند با بهره‌گیری از ابزارها و الگوهای متنوع مطالعاتی و با مطالعه مواد فرهنگی مکشوف، بر همکنش‌ها و روابط فرهنگی اقتصادی و سیاسی میان استقرارهای انسانی فلات ایران را با مناطق همجوار بازسازی نماید (سیدسجادی، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۴۰). بیشتر این مناطق در گذشته، به‌عنوان یک ناحیه واحد جغرافیایی- فرهنگی شناخته می‌شده است. با نگاهی به گذشته این مناطق متوجه می‌شویم که هزاره سوم پ.م یکی از مهم‌ترین

ادوار در این خصوص بوده است. یکی از مهم ترین مناطقی که به صورت مستقیم با تمدن های همسایه ارتباط داشته، جنوب شرقی ایران است که تاکنون تمدن های شهرنشین همچون شهرسوخته، بمپور، یحیی و جیرفت در آن مورد مطالعه و کاوش قرار گرفته اند.

۱-۱- بیان مسأله و سوالات تحقیق

از قابل توجه ترین عوامل رشد و پیشرفت تمدن های بشری، روابط بازرگانی بین جوامع مختلف بوده است. این روابط پیچیده و پرتحرک که بخشی از فعالیت های تولیدی یک جامعه را تشکیل می دهد، حیات بخش ساختار اجتماعی و اقتصادی است. از اقلام عمده ی مورد مبادله، می توان به سنگ های قیمتی (از جمله فیروزه، سنگ صابون و سنگ لاجورد) اشاره کرد که به طور گسترده به ویژه در هزاره سوم ق.م مورد استفاده بوده اند. مقادیر فراوانی از چنین سنگ هایی، از کاوش های باستان شناسی در محوطه های مختلف بین النهرین، ایران و شبه قاره هند به دست آمده است که سرچشمه و منبع آن ها، نوار شرقی ایران از شمال تا جنوب بوده است. در این راستا می توان به سنگ صابون اشاره کرد که در بین النهرین به دست آمده، منبع این سنگ در اطراف تپه یحیی و شهداد در جنوب شرق ایران است. سنگ قیمتی و مهم دیگر، سنگ لاجورد است که در تجارت و داد و ستد هزاره سوم، نقش قابل ملاحظه ای برعهده داشته است. این سنگ که سرچشمه آن را معادن سرسنگ بدخشان تعیین کرده اند، به صورت اشیاء ساخته شده و ناتمام در منطقه شهرسوخته، شهداد و بین النهرین به دست آمده است. بر این اساس، در این زمینه می توان سوال های چندی را مطرح کرد:

- ۱- نقش تجارت سنگ های قیمتی بر توسعه استقرارهای حوزه جنوب شرق فلات ایران در طی هزاره سوم چگونه بوده است؟
- ۲- سنگ های قیمتی از چه راهی و به چه صورت به سرزمین های همسایه به ویژه میان رودان و شبه قاره هند راه یافته است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از پژوهش حاضر، بررسی بخشی از سیستم عظیم اقتصادی پیش گفته، چگونگی ارتباط استقرارهای جنوب شرقی ایران از طریق تجارت با اقوام همسایه، به ویژه میان رودان و تمدن های

شبه‌قاره هند (مانند هاراپا، موهنجودارو و بلوچستان پاکستان) در طی هزاره سوم ق.م است. این مهم با توجه به شاخصه‌های ویژه‌ی زیست‌بوم آن اقلیم که معادن عظیم با دسترسی سهل را ممکن ساخته است، می‌تواند گامی مهم در شناخت نظام تولیدی منطقه و مبادلات فرهنگی- تجاری در فلات ایران باشد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

روش پژوهش حاضر براساس اطلاعات حاصل از کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناختی بازه‌ی زمانی و مکانی مورد مطالعه با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها از نوع توصیف و مطالعه‌ی تطبیقی است که با تطبیق و مقایسه‌ی داده‌های هم‌زمان و مشابه و تحلیل آن‌ها به بیان مسأله و نتیجه‌گیری پرداخته است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

منظور از جنوب‌شرقی در این پژوهش، استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان است. منطقه جنوب‌شرق ایران محیط‌زیست و جغرافیای خاصی دارد که آن را از دیگر مناطق مشخص می‌کند. یکی از مهم‌ترین عوامل طبیعی مؤثر بر تمدن‌های این منطقه، دشت لوت است. همین عامل باعث شده است تا مردمان ساکن در اطراف این دشت از راهبرد مشخصی در برخورد با محیط طبیعی اطراف خود بهره ببرند (منظور از راهبرد مشخص، سازگاری آن‌ها با محیط است؛ برای نمونه، اگر راهبرد معیشتی کشاورزی برای آن‌ها مقدور نبود، به‌واسطه‌ی تجارت و داد و ستد مواد خام یا نیمه‌خام سنگی امرار معاش می‌کردند). متغیر مهم جغرافیایی این منطقه کمبود آب و خاک قابل کشاورزی است که این وضعیت نامناسب آثار تعیین‌کننده‌ای در الگوی پراکندگی محوطه‌ها و ساختار فرهنگ‌های پیش از تاریخ منطقه داشته است. تا دهه ۱۹۶۰ مطالعات باستان‌شناختی در خاورمیانه به‌طور عمده در بین‌النهرین و حاشیه غربی فلات ایران متمرکز شده بود و مناطق شرقی این فلات- اگر نگوییم هیچ- بسیار کمتر مورد توجه بوده است. در حالی که تحقیقات باستان‌شناختی در مناطق پیرامونی از جمله هاراپا و موهنجودارو، نال و امری در دره سند و بلوچستان پاکستان چندین دهه پیش آغاز شده بود. پس از پایان جنگ جهانی دوم مطالعات از سر گرفته شد

و به ویژه دو منطقه موندیگاگ در افغانستان و دره کویته در غرب پاکستان (Fairservis, 1956: 402-169) از اهمیت زیادی برخوردار گردید. مطالعات موندیگاگ در بخش سراوان بلوچستان افغانستان اطلاعات سودمندی در زمینه رشد فرهنگ های مقدم بر مراکز شهری ارائه کرد. سابقه و پیشینه فعالیت های باستان شناسی در جنوب شرق ایران نسبتاً اندک بوده و از سال ۱۹۶۷ با کاوش تل ابلیس به طور واقعی شروع شده است. در جنوب شرق ایران کاوش هایی که در محوطه های باستان شناختی مانند بمپور (De Cardi, 1970: 232-355; 1967, 1968:135-155)، تپه یحیی، شهداد و شهر سوخته انجام شده، سیمای فرهنگ های پیش از تاریخ منطقه را به میزان قابل توجهی مشخص کرد.

۲- حوزه جنوب شرق فلات ایران

حوزه های فرهنگی جنوب شرق ایران جزء شاخص ترین و مستعدترین مناطق سکونتگاهی پیش از تاریخی فلات ایران به شمار می روند، که یافته ها و شواهد باستان شناختی این منطقه، به ویژه فرهنگ های در پیوند با عصر مفرغ از قابلیت های گوناگونی جهت شناخت جوامع گذشته دارا بوده اند. سنگ های قیمتی از شاخص ترین یافته های باستان شناختی مراکز پیش از تاریخی جنوب شرق فلات ایران به ویژه در حوزه های فرهنگی سیستان و هلیل رود به حساب می آیند که بررسی و تحلیل آنها به ویژه در هزاره سوم ق.م در این نواحی می تواند تصویری از فرهنگ های موجود از کانون های اولیه شهرنشینی را بازسازی نمایند (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۶). استان سیستان و بلوچستان و کرمان از مراکز تمدنی با اهمیت در محدوده جغرافیایی جنوب شرق فلات ایران است که آشنایی با ابعاد گوناگون فرهنگی و تمدنی آن نه تنها برای شناسایی ریشه های فرهنگ و تمدن فلات ایران مهم است، بلکه برای شناسایی روابط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی موجود بین فرهنگ ها و تمدن های شبه قاره هند و آسیای مرکزی با خلیج فارس و میان رودان نیز دارای اهمیت فراوان است. در حقیقت بدون پی بردن به وضعیت تمدنی این بخش از ایران، شناسایی روابط اجتماعی و اقتصادی دنیای باستان خاورمیانه، ناقص می ماند (سیدسجادی، ۱۳۸۳ الف: ۹۶-۶۳).

۲-۱- شهر سوخته

بدون تردید محوطه شهر سوخته با ۱۵۰ هکتار مساحت بزرگترین استقرار عصر مفرغ منطقه جنوب شرق به شمار می رود. این محوطه در ۶۷ کیلومتری جنوب زابل نزدیک رودخانه هیرمند در

منطقه سیستان واقع شده است (نقشه ۱). شهر سوخته بین حدود ۳۰۰۰-۲۰۰۰ ق.م دایره بوده است. پیش‌گام کاوش‌های این محوطه باستان‌شناسان ایتالیایی به سرپرستی توزی بوده‌اند. براساس تحولات سفال‌گری، دوره‌بندی شهر سوخته در عصر مفرغ به چهار دوره عمده تقسیم شده است (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۶۱). براساس شواهد و مدارک، شهر سوخته از ارتباطات تجاری گسترده‌ای با شهرها و اماکن گوناگون برخوردار بوده است. مهم‌ترین محصولی که از این شهر به میان‌رودان و دیگر سرزمین‌ها صادر می‌شده، بلوک‌های نیمه‌تمام و اشیای ساخته شده از سنگ لاجورد بوده است. در بخش موسوم به منطقه صنعتی مقدار قابل توجهی از ضایعات سنگ لاجورد و آثار کارگاه‌های بسیاری در ارتباط با تولید محصولات ساخته شده از لاجورد دیده شده است (Fogolini, 1998: 71-76).

از دیگر یافته‌های باستان‌شناختی که در تجارت خارجی با سرزمین‌های بیرون از محدوده جغرافیایی دلتایی سیستان نقش عمده‌ای داشتند می‌توان به فیروزه، فرآورده‌های دریایی مانند صدف، دندان کوسه و چند شیء چوبی که هنوز منبع اصلی آن‌ها شناسایی نشده است، اشاره کرد. سنگ لاجورد از بدخشان می‌آمد، فیروزه از قزل‌قوم در شمال ایران و صدف از سواحل مکران (Tosi, 1974: 147- 162). آثار مادی مذکور نشان‌دهنده پیشرفت‌های حیرت‌انگیز این شهر در هزاره سوم ق.م است.

۲-۲- بمپور، گورستان خوراب و تپه دامین

تپه بمپور، مهم‌ترین استقرار هزاره سوم حوزه رودخانه بمپور است که در غرب ایرانشهر قرار قرار دارد. این محوطه را نخستین بار اورل اشتاین معرفی نمود (Stein, 1937: 104- 111) (نقشه ۱). در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ بنا بر تریس دکاردی، باستان‌شناس انگلیسی به مدت دو فصل آن را کاوش کرد. این کاوش‌ها، ۶ دوره و تاریخی از نیمه هزاره سوم تا ۱۹۰۰ ق.م را در برمی‌گیرد (De Cardi, 1968: 135). مهدی مرتضوی آغاز استقرار در بمپور را سال‌های ۳۶۰۰ و پایان آن را سال‌های ۱۸۰۰ ق.م می‌داند (Mortazavi, 2006: 56). یکی از دلایل اهمیت بمپور قرار گرفتن بر سر راه‌های طبیعی گوناگون است که مرکز ایران را به جنوب بلوچستان و پاکستان متصل می‌کند و به‌طور کلی بزرگراه ارتباطی تمدن‌های شرق، مانند دره سند با تمدن‌های غربی مانند بین‌النهرین است (سیدسجادی، ۱۳۸۲: ۳۳؛ Mortazavi, 2008: 54). گورستان خوراب،

واقع در ساحل جنوبی رودخانه بمپور و در شمال ایرانشهر، توسط اشتاین کشف و کاوش گردید (Stein, 1937:182). اشیای تدفینی قبور خوراب دارای ظروف سفالی، مرمری و فلزی، زینت- آلات ساخته شده از سنگ های نیمه قیمتی و همچنین تبری مفرغی با تزئین شتر است که با مجموعه فرهنگی بلخی- مروی قابل مقایسه است (Kohl and Pottier, 1992: 93-94). براساس مطالعه آثار به دست آمده، این قبرستان متعلق به دوره های IV تا VI بمپور است. بنابراین دکاردی قبور خوراب را با بمپور V₂ هم زمان می داند. برخی آن ها را به سال های ۲۰۰۰ ق.م و دیگران بین سال های ۲۰۰۰-۱۸۰۰ ق.م ارتباط می دهند (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۱۷۵).

تپه دامین (دامن) در ۲۵ کیلومتری شمال ایرانشهر واقع شده است (نقشه ۱) نخست، اشتاین (Stein, 1937:112- 116) و در سال ۱۹۷۴ توزی به کاوش در آن پرداختند. دامین تپه کوچکی مربوط به هزاره سوم ق.م بوده که به شکل یک مسیر ارتباطی بین بمپور و سیستان واقع شده است. از گوری در غرب تپه یک ستون کوچک از آهک هم زمان بمپور IV (شبهه آن در حصار III و شهرسوخته، همچنین ظرفی از جنس سنگ آهک به دست آمده است. سفال های دامن شبیه سفال بمپور (V و VI)، سیستان (شهرسوخته III) و مکران تزئین شده است (Tosi, 1970: 50-9).

۳-۲- تپه یحیی

تپه یحیی، تپه ای بزرگ است در نیمه راهی که دره رودهای فرات و سند را بهم می پیوندد. این تپه در دره صوغان در فاصله ۲۵۰ کیلومتری جنوب کرمان و ۳۰ کیلومتری شمال شرق شهر دولت آباد واقع شده است (Lamberg-Karlovsky; 1971; 1973; 22) (نقشه ۱). در دره صوغان معادن سنگ کلوریت به وفور یافت می شود. از این سنگ در هزاره سوم ق.م به طور گسترده برای ساخت ظروف استفاده شده است. تپه یحیی شامل ۶ طبقه استقرار از اواسط هزاره پنجم تا ۵۰۰ ق.م است. دوره های IVB و IVA آن مربوط به دوره مفرغ است. تولید اشیاء ساخته شده از کلوریت مهم ترین فعالیت اقتصادی سازمان یافته دوره IVB به شمار می رود. اشیاء ساخته شده از این سنگ در مناطق وسیعی توزیع می شده است. با توجه به پیدایش اشیاء ساخته شده از سنگ کلوریت در مناطق دور و نزدیک که از همگونی های سبکی برخوردارند، به نظر می رسد این کالاها در یک نظام سامان یافته درون و بیرون منطقه ای توزیع شده اند. تپه یحیی تنها

محوطه باستانی است که ساکنان آن به مواد اولیه سنگ کلوریت دسترسی آسان داشته‌اند (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

۴-۲- محوطه شهداد (خییص)

محوطه باستانی عصر مفرغ شهداد در حاشیه غربی دشت لوت و در ۳ کیلومتری شهرکی به همین نام واقع شده است (نقشه ۱). این محوطه در سال ۱۳۴۸ ه.ش توسط علی حاکمی کشف و کاوش شد. دوباره در ۱۳۵۶ ه.ش، کابلی کاوش در این محوطه را شروع کرد. از قبور شهداد ظروف سنگی زیادی از سنگ صابون، اشیای تزیینی از فلز، لاجورد، فیروزه و به‌خصوص عقیق در اشکال گوناگون چون دستبند و گردن‌بند به دست آمده است (حاکمی، ۱۳۴۸: ۴۸) که براساس گونه‌شناسی نشانگر ارتباطات شهداد با مناطق دوردست (بمپور و موهنجودارو) است.

این ظروف از لحاظ رنگ تفاوت‌هایی با نمونه‌های مشابه در یحیی دارد (Miroschedji, 1973: 80-9). به غیر از عقیق که در منطقه به وفور یافت می‌شود احتمالاً دیگر سنگ‌های نیمه‌قیمتی وارداتی بوده‌اند. منبع لاجورد شهداد بی شک کوه‌های بدخشان بوده است. این سنگ در تمام طول هزاره سوم به سفارش شوش استخراج و از طریق واسطه با گذشتن از شهر سوخته، آرتا (کرمان) و انشان به شوش می‌رسید و از آنجا به شهرهای سومری صادر می‌شد (Majidzadeh, 1976: 105-113). با توجه به سنگ‌های به کار رفته در ظروف شهداد به نظر می‌رسد این کالاها در کارگاه‌های محلی تولید شده‌اند. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که کارگاه‌های متعدد صنعت عقیق و ذوب فلز در شهداد وجود داشته است. در فاصله ۸۰ تا ۱۵۰ کیلومتری شهداد منابع مس وجود داشته است و احتمالاً فلزگران سنگ فلز مورد نیاز خود را از آنجا تأمین می‌کردند (کابلی، ۱۳۶۵: ۵۰-۶۲).

۵-۲- جیرفت (شهر دقیانوس)

جیرفت را با هر عنوانی که بنامیم در گذشته یکی از تمدن‌های درخشان منطقه کرمان بوده که در حوالی جیرفت امروزی و در منطقه‌ای به نام دشت قمدین قرار داشته است (دانشور، ۱۳۸۹: ۶۳۲) (نقشه ۱). ویژگی‌های خاص اقلیمی و زیست‌محیطی از جمله وجود کوه‌های بلند با معادن طبیعی (مس و انواع سنگ‌های صابونی و کلوریت، فیروزه، عقیق و سنگ لاجورد) و دشت‌های

وسیع و حاصل خیز به ویژه از اوایل هزاره سوم ق.م باعث شده است تا این منطقه به یکی از مهم ترین حوزه های فرهنگی و تمدنی و کانون های مهم اقتصادی- صنعتی شرق باستان تبدیل شود. علاوه بر آن، این حوزه توانسته است با ایجاد ارتباط مستمر با تمدن های عیلام و بین النهرین در غرب و فرهنگ ها و تمدن های موجود در مناطق جنوبی، شرقی و شمالی خود در سرزمین های جنوبی خلیج فارس، دره سند و افغانستان دست آوردهای فرهنگی و صنعتی خود را به آن سرزمین ها صادر کند (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۶۶).

۳- حوزه فرهنگی میان رودان

تمدن میان رودان به ویژه سرزمین های شرقی آن به عنوان بخش مهمی از منطقه آسیای غربی کلیه شرایط مطلوب محیط زیستی برای ایجاد استقرارگاه های گوناگون را دارا بوده است. دره های زاگرس، دشت های رسوبی کوچک و بلأخره دشت رسوبی بابل از جمله بخش های شرقی میان- رودان به شمار می آیند، با آنکه این مناطق کاملاً از هم جدا نبوده و دارای برخی عوامل مشترک اند، ولی برخی اختلافات بسیار عمیق، مانند تفاوت های آب و هوایی در میان آنها وجود داشته است. آثار و بقایای کلیه شکل های استقرار، از نوسنگی تا استقرارگاه های بسیار پیشرفته تر مانند دولت- شهرها در این منطقه دیده می شود (سیدسجادی، ۱۳۸۴: ۲۴ و ۲۵).

هم زمان با شروع دوران سلسله های قدیم دوم (۲۷۵۰- ۲۶۰۰ ق.م) و سوم (۲۶۰۰- ۲۳۷۱ ق.م) در میان رودان، در فلات ایران شهرهایی به وجود آمدند که بیشتر محل گردآوری و بازتوزیع کالاهای تجاری و به خصوص سنگ های سخت و نیمه گران بها بودند که نمونه بارز این گروه از شهرها، شهر سوخته است. در این زمان که در واقع دومین مرحله شهرنشینی محسوب می شود بایگانی های بزرگی وجود دارد که شامل اسناد و مدارک پیچیده ای هستند که نشان دهنده مکانیسم- های تجاری و اقتصادی آن زمان است. با پایان دوران موسوم به سلسله های قدیم، امپراطوری آکاد (۲۳۷۱- ۲۲۲۵ ق.م) ظهور یافت. بازرگانی در زمان آکادیان گسترش فراوان یافت که طی این دوره کاروان های تجاری بزرگی بین سرزمین های دوردست آناتولی، ایران و میان رودان در رفت و آمد بود و روابط تجاری با دشت سند تحکیم یافت. در نهایت گوتی ها حدود ۲۲۰۰ ق.م این سلسله را از بین بردند. بعد از مدتی دوره ای بسیار مهم در تاریخ میان رودان به نام سلسله اور سوم

(۲۱۱۳-۲۰۰۰ ق.م) که با نام دوره طلایی معروف شده است به وقوع پیوست. آنان سرزمین‌های جدیدی را نیز فتح کردند و شبکه بزرگی از راه‌های مرتبط بهم ایجاد کردند. فشارهای وارده از سوی عیلامی‌ها از شرق و آموری‌ها از غرب باعث نابودی این سلسله شد. در مرحله بعدی شهرنشینی (مفرغ میانی و جدید، حدود ۱۹۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م) دولت‌های نیرومندی چون بابل، آشور و میتانی در میان‌رودان، عیلامی‌ها در فلات ایران و هیتی در آناتولی به وجود آمدند که روابط تجاری بین خود را در این نظام جهانی حفظ کردند. در نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد، در بین‌النهرین کاخ‌ها به مثابه واحدهای حکومتی و اداری مستقل هم‌ردیف معابد شمرده می‌شدند که کالاها و تولیدات گوناگون در انبارهای این کاخ‌ها جمع‌آوری و سپس در زمان نیاز بازتوزیع می‌شد. به این ترتیب پادشاهان سومری سلسله مراکز تجاری و تأمین درآمد در داخل کاخ‌ها به وجود آورده بودند که با معابد رقابت می‌کرد. معبد و کاخ، هر دو در کلیه زمینه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی شهرها دخالت تام داشتند. در حقیقت بخش مهمی از ذخایر مادی معابد و کاخ‌ها صرف تهیه و خرید مواد خام اولیه می‌شد که برای تزئین آن‌ها به‌کار می‌رفته است و از آنجا که بیشتر این مواد در محل وجود نداشت، از طریق مبادلات از نقاط دیگری آنها را تهیه می‌کردند.

۴- حوزه تمدنی دره رود سند (شبه‌قاره هند)

تمدن‌های حوزه دره رودخانه سند، سرزمین‌های وسیع بلوچستان پاکستان و تمدن‌های هاراپا و موهنجودارو را دربرمی‌گیرد (نقشه ۱) براساس شواهد، تمدن سندی از حدود سال‌های ۲۴۰۰-۱۸۰۰ ق.م شکوفا بوده است. در ادبیات مذهبی هندیان نشانه‌هایی از تمدن‌های پیشرفته هندی وجود داشته است، اما تنها زمانی که سیر جان مارشال در سال ۱۹۲۰ م به کاوش محوطه‌های هاراپا و موهنجودارو پرداخت، آثار تمدنی سند به شکل یکی از وسیع‌ترین مراکز تمدنی دنیای باستان آشکار شد. بسیاری بر این عقیده‌اند که پیدایش تمدن سند به‌طور ناگهانی در حدود سال‌های ۲۴۰۰ ق.م نتیجه گسترش تمدن میان‌رودانی بوده است، هرچند این نظریه دیگر اعتبار چندانی ندارد. طبق بسیاری از شواهد، ریشه‌های تمدن سند را باید در همان منطقه جستجو کرد (Kosambi, 1987).

کاوش های جدید در مهرگره پاکستان تداوم تمدن هایی را، حداقل از هزاره ششم پ.م به بعد، به خوبی نشان می دهد. براساس اطلاعاتی در مورد تمدن های پیش از سندی از طریق کاوش، بر حداقل اطلاعات موجود افزوده شده است. از جمله مهم ترین این محوطه ها عبارتند از: کالیبنگان، کوت دیجی، امری و رحمان دهری. البته مواد فرهنگی پیش از سندی قابل مقایسه با مواد هاراپایی در این محوطه ها بسیار ناچیز است.

بعضی از محوطه های بلوچستان پاکستان متعلق به نیمه اول هزاره سوم ق.م دارای بعضی مواد فرهنگی است که نمونه های اولیه مواد پیدا شده در محوطه های سندی محسوب می شود. بسیاری از باستان شناسان بر این پندارند که محوطه کوتجی (حدود سال ۲۸۰۰-۲۵۰۰ ق.م) مستقیماً مادر تمدن سندی بوده و آن را با نام دوره هاراپای قدیم می خوانند. احتمالاً شهرهای هاراپای قدیم زمینه شکل گیری شهرهای بعدی در طول رودخانه سند را به وجود آورده است. از حدود ۷۰۰ محوطه هاراپایی تنها موهنجودارو و هاراپا به خوبی شناخته شده است که اندازه آن ها حدود ۱۳۰ هکتار است. آثار تمدن های سندی از مرزهای ایران به سوی شمال تا رودخانه جیحون و تا سرزمین های اطراف رودخانه نرمد (Narmada) در جنوب دهلی پراکنده بود (سیدسجادی، ۱۳۶۷: ۴۲-۵۹). علاوه بر موهنجودارو و هاراپا، سایر شهرهای کاوش شده سندی دارای اشتراکاتی اند که کمتر از مشترکات بین شهرهای میان رودان نیست. تقریباً تمام شهرها و حتی روستاهای سندی با نقشه های منظم ساخته شده اند که نخستین کوشش ها برای شهرسازی اولیه است که با نقشه های نامنظم شهرهای میان رودانی که به صورت تصادفی گسترش می یافته در تضاد بوده است. (Lamberg- Karlovsy and Sabloff, 1995: 195- 202). در موهنجودارو انبار غله یا سیلو وجود داشته است که مانند نمونه های میان رودانی محل نگه داری مازاد تولید بوده است (Wheeler, 1968: 37- 55).

در محوطه های هاراپایی پیش از تمدن سندی چون کوت دیجی و کالیبنگان نظام های پیشرفته چون لوله کشی برای کنترل توزیع آب وجود داشته که در حال حاضر قدیم ترین نمونه ی باستان شناختی آن محسوب می شود. محوطه باستانی لوتال در کاتیاواد (Kathiawad) نشان- دهنده تمدن سندی در این بخش از جنوب هندوستان و همچنین وجود یک شهر بندری- تجاری است. شهر لوتال دارای تمام ویژگی های شهرهای سندی بین حدود ۲۱۰۰- ۱۹۰۰ ق.م بوده است. به نظر کاوشگر، لنگرگاهی برای بارگیری در این شهر وجود داشته است که بیانگر قدیم ترین

بندرگاه تمدن سندی یا حتی جهان به شمار می‌رود و در هر صورت نشان‌دهنده اهمیت تجارت دریایی سندیان است (Rao, 1973: 50-79). از آنجا که سندیان نسبت به جوامع میان‌رودانی به مواد خام بیشتری دسترسی داشته‌اند، به همان نسبت برای واردات خود وابستگی کمتری به اجرای عملیات تجاری با راه‌های دور داشته‌اند، اما مشخص است که در هر صورت سازماندهی‌های منظمی برای فعالیت‌های بازرگانی وجود داشته است.

سندیان مانند جوامع میان‌رودانی به سنگ لاجورد بدخشان نیاز داشتند و سخت‌پوستان دریایی (صدف) از جنوب هند، فیروزه از شمال شرقی ایران، کاسه‌های کلریت از جنوب شرقی ایران، یشم از آسیای مرکزی، برمه و شاید از سین کیانگ در غرب چین و فلزات مختلفی از جمله مس، سرب و نقره از سرزمین‌های اطراف به شهرهای سندی وارد می‌شده است (Lamberg-Karlovsky and Sabloff, 1995: 202-208; Dales, 1962: 86-92). براساس شواهد، تجارت وسیعی بین سند و میان‌رودان برقرار بوده است. مهره‌های قلم‌زده‌ی عقیق، مهره‌های مسطح و مهره‌های استخوانی مثبت‌کاری شده که مشخصه‌ی تمدن سندی بوده‌اند بین حدود ۲۴۰۰-۱۹۰۰ ق.م، در شهرهای میان‌رودانی پیدا شده‌اند. این تجارت یک‌سویه بوده و حتی یک شیء میان‌رودانی در سند به دست نیامده است (Salvatori, Tosi and Vidale, 2001: 32-37). کلیه شواهد بالا حاکی از آن است که تمدن هندی در گسترش و تطور فرهنگ‌های آسیای میانه در طول هزاره سوم ق.م و در ارتباط مستقیم با سرزمین‌های شمالی و جنوبی مشارکت فعال داشته است. منطقه موردنظر از ساوراشترا (Saurashtra) تا میان‌رودان و از عمان تا زرافشان را در بر می‌گرفته است و به این ترتیب نظر پیرامیه درباره وجود یک دوره بزرگ تبادلاتی بین سرزمین‌های ایرانی‌نشین می‌تواند آن‌سوی فلات ایران و تمدن‌های موجود در سرزمین‌های هندی و سندی و آسیای مرکزی و عربستان را نیز در بر گیرد. به نظر می‌رسد در نهایت تمدن سندی به دلیل تجاوزه‌های خارجی (تجاوز مردم آریایی ودایی)، منقرض و از بین رفته است، هرچند کاوش‌های باستان‌شناختی تاکنون نتایج چنین تجاوزه‌ی را نشان نداده‌اند و مدارکی وجود دارد که سندیان پیش از نابودی، با مردم آسیای مرکزی و اطراف جیحون آشنایی کامل داشته و در ارتباط بوده‌اند و دلیلی برای چنین برخورد خصمانه‌ای وجود نداشته است. دلیل دیگری که برای انقراض این تمدن و فرهنگ ارائه شده است، تغییرات یا دخالت‌های طبیعی - زیست‌محیطی است، که این ایده هم

کافی به نظر نمی‌رسد. بنابراین هیچ توضیح خاصی برای اثبات دلایل انقراض این تمدن کافی نیست و علل اصلی انقراض تمدن سندی همچنان در پرده ابهام باقی مانده است.

۵- نتیجه

همان‌طور که دیدیم پیشینه روابط فرهنگی ایران با همسایگان خود از جمله بین‌النهرین، هند و پاکستان به هزاره‌های پیش از تاریخ بر می‌گردد. در هزاره سوم ق.م عواملی از جمله منابع طبیعی، تطور طبیعی، پویایی فرهنگی و افزایش جمعیت و متعاقباً بر هم‌کنش‌های مختلف باعث ظهور جوامع شهرنشین در جنوب شرق ایران گردید که جهت رفع نیازهای خود شبکه‌های مبادلاتی منطقه‌ای و برون منطقه‌ای ایجاد نمودند. براساس مقایسه‌ی گونه‌شناختی مواد فرهنگی صورت-گرفته، مشخص گردید نواحی شرقی فلات ایران ارتباطات و تماس‌های گسترده‌ای با مناطق همسایه بین‌النهرین، هند (تمدن هاراپا و موهنجودارو) و پاکستان (بلوچستان) داشته است. لازم به ذکر است که موضوع ارتباط فرهنگ‌ها به‌ویژه در عصر مفرغ موضوعی پیچیده است، به‌خصوص هنگامی که تنها با مطالعه عناصر محدود فرهنگی از جمله سنگ‌های قیمتی، سفال و مواد کانی این موضوع را بررسی کنیم. برای دستیابی به این مهم باید دیگر یافته‌های فرهنگی که از طریق کاوش‌های باستان‌شناختی به دست آمده است را نیز به دیدگاه مقایسه‌ای مذکور اضافه نمود. در متن عوامل هم‌گرایی تمدن‌های مذکور در طی هزاره سوم ق.م تشریح شده است که مهم‌ترین آن‌ها، نزدیکی آن‌ها به یک‌دیگر به لحاظ جغرافیایی و احتیاج به کالاها، به‌ویژه مواد اولیه معدنی و کانی و تلاش در راستای حفظ حیات و پویایی به‌واسطه‌ی پیوندهای بر همکنشی مختلف در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است که به‌همین ترتیب موجبات گسترش تجارت و ارتباطات فرهنگی- هنری و اقتصادی و حتی سیاسی- اجتماعی را سبب شده است. در این راستا نیازمندی جوامع پیش‌گفته از لحاظ اقتصادی به مواد اولیه‌ی خام یا نیمه‌خام قیمتی یا نیمه-قیمتی- در این‌جا سنگ لاجورد بدخشان- از مهم‌ترین علل ارتباطات اقتصادی و متعاقباً سیاسی آن‌ها بوده است.

۶- منابع

- ۱- پیتمن، هالی، هنر عصر مفرغ جنوب شرق ایران، آسیای میانه غربی و دره سند، مترجم: کوروش روستایی، تهران، مؤسسه پیشین پژوه، صص: ۱-۱۱۸، ۱۳۸۳.
- ۲- تیزی.م، ملک شه میرزادی، صادق و الف. جوینده، دوران برنز در ایران و افغانستان: تاریخ تمدن های آسیای مرکزی، ترجمه صادق ملک شه میرزادی، بخش اول از جلد اول؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، صص: ۳۱۰-۲۶۱، ۱۳۷۴.
- ۳- حاکمی، علی، بررسی های باستان شناسی حاشیه دشت لوت، باستان شناسی و هنر ایران ۲، ۱۳۴۸.
- ۴- دانشور، محمد، از قلعه دختر تا دقینوس، انتشارات کرمان شناسی، چاپ سوم، کرمان، ۱۳۸۹.
- ۵- دهمرده پهلوان، مهدی؛ شیرازی، روح الله؛ باصفا، حسن، تخصص گرایی، پیچیدگی های اقتصادی و مبادلات تجاری شمال شرق ایران بر مبنای داده های قاراجشمه، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص: ۱۰۲-۷۷، ۱۳۹۸.
- ۶- سیدسجادی، سید منصور، نگاهی به آثار باستانی بلوچستان از آغاز تا اسلام، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره اول، صص: ۵۹-۴۲، ۱۳۶۷.
- ۷- سیدسجادی، سید منصور، باستان شناسی و تاریخ بلوچستان (هشت گفتار)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- _____، گل نوشته دوران آغاز عیلامی، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره پیاپی ۱۵، صص: ۱-۱۸، ۱۳۸۰.
- ۹- _____، جواهرسازی و مهره سازی در شهر سوخته، پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور، فرمانداری شهرستان زابل، ۱۳۸۲.
- ۱۰- _____، نشانه سفالگران در شهر سوخته، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، دوره ۱، شماره ۵، صص: ۴۸-۱۷، ۱۳۸۲.
- ۱۱- _____، آغاز شهرنشینی در نیمه شرقی ایران، نامه انسان شناسی، سال ۳، شماره ۶، صص: ۹۶-۶۳، ۱۳۸۳ الف.

- ۱۲- _____، نخستین شهرهای فلات ایران (جلد اول)، سمت، تهران. ۱۳۸۴.
- ۱۳- _____، نخستین شهرهای فلات ایران (جلد دوم)، سمت، تهران. ۱۳۸۴.
- ۱۴- شیرازی، روح الله و مهدی دهمرده پهلوان، بر همکنش های فرهنگی میان مکران، کرمان و حوزه هیرمند در عصر مفرغ بر مبنای داده های سفالی، پژوهش های باستان شناسی ایران، شماره ۱۵، دوره ۷، صص: ۸۱-۱۰۰، ۱۳۹۶.
- ۱۵- طلایی، حسن، عصر مفرغ ایران، سمت، تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۶- کابلی، میرعابدین، شهداد مرکز ایالت آرتا؟، باستان شناسی و تاریخ، سال ۱، شماره ۱، صص: ۶۲-۵۰، ۱۳۶۵.
- ۱۷- مجیدزاده، یوسف، آغاز شهرنشینی در ایران؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۸.
- ۱۸- _____، دومین فصل حفاریات جیرفت، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، دوره نخست، شماره پنجم، تهران. ۱۳۸۲.
- ۱۹- ویت، مری م، هنری دایسون. رابرت، گاهنگاری ایران از هشت هزار تا دو هزار پیش از میلاد، ترجمه اکبر پورفرج و احمد چایچی امیرخیز، نسل باران، تهران، ۱۳۸۲.
20. Brumfiel, E., and Earle, T. **Specialization, exchange and complex societies: an introduction**. In Brumfiel E., and T., Earle, (eds.), specialization, exchange and complex Societies, Cambridge, Cambridge University Press. Pp: 1-9. 1987.
21. Costin, C. L, **Craft specialization: issues in defining, documenting and explaining the organization of production**. *Archaeological Method and Theory*, University of Arizona Press, Tucson. Pp: 1-55. 1991.
22. Cortesi, E., Tosi, M., Lazzari, A and Vidale, A. **Cultural Relationship beyond the Iranian Plateau: The Helmand Civilization Baluchistan and the Indus Valley in the 3rd Millenium BCE**. *Paleorient* Vol: 34. No: 2. pp. 5-35. 2008.
23. Daneshvar Mohammad, **From Qaleh Dokhtar to Daghyanoos**, Kermanshenasi Publication, second edition. 2004.
24. De Cardi, Beatrice, **The Bampur sequence in the 3rd Millennium B. C**. *Antiquity*. Vol: 41. No: 161. Pp: 33-41. 1967.

25. _____, Beatrice, **Excavations at Bampur, S. E. Iran: A Brief Report.** *Iran*. Vol: 6. Pp: 135-155. 1968.
26. _____, Beatrice, **Excavations at Bampur, a Third Millennium Settlement in Persian Baluchistan 1966.** *Anthropology Papers of the American Museum of natural History*. Vol: 51. Part: 3. 1970.
27. Dahmardeh, Mehdi., Shirazi, Rouhillah and Basafa, Hassan, **Specialization, Economic Complexities and Commercial Transactions of Northeastern Iran based on the data of Gharashshme Neishabur**, *Journal of Subcontinent Research*, Vol: 11. No: 36. Pp: 77-102. 2019.
28. Dales, G. F, **Harappan Outposts on the Makran Coast, in Antiquity XXXVI**, PP. 86-92. 1962.
29. Dani and V. M. Mason, Vol: 1, pp. 184-216. UNESCO, 1992.
30. Fairservis, Walter. Ashlin, **Excavations in the Quetta Valley, West Pakistan.** *Anthropological paper of the American Museum of natural History* Vol. 45. Part: 2. 1956.
31. Fogolini, **Larea di Lavorazine del lapislazzuli nei quadrati EWK-EWP: Perle orientali.** Museo Nazionale Darte orientale: Roma. Pp. 71-76. 1998.
32. Hakemi, Ali, **Archaeological Studies of Loot Plain margin.** *Iran's archaeology and art* 2. 1968.
33. Jarrige, J. F., and Meadow, R. **The Antecedents of Civilization in the Indus Valley.** *Scientific American*, Vol: 243. No: 2. Pp: 122-133. 1980.
34. Kohl, P. and Pottier M.-H. **Central Asia materials from Baluchistan and south eastern Iran at the end of the third millennium B. C.** *Persica*, vol. XXIV, pp. 91-103. 1990-1992.
35. Kosambi, D. D. **The first cities, in The Culture and Civilization of Ancient India in Historical Outline.** New Delhi. 1987.
36. Kaboli, Mir Abedin, **Is Shahdad the capital of Aratta province?.** *Archaeology and history*, Vol:1, No: 1. 1986.
37. Lamberg- Karlovsky C. C., & Kohl, P. C. **The Early Bronze Age as seen as from Tepe Yahya.** *Expedition*. Vol: 13. No: 34. Pp: 14- 21. 1971.
38. Lamberg- Karlovsky, C. C. and M. Tosi. **Shahr-I Sokhta and Tepe Yahya: Tracks on the Earliest History of the Iranian plateau.** *East and West*. Vol: 23. Pp: 21-58. 1973.
39. Lamberg- Karlovsky, C. C. and A. Jeremy A. Sabloff, **Ancient Civilization. The Near East and Mesoamerica**, WAVELAND PRESS, INC. 1995
40. Majidzadeh, Y, **The land of Aratta.** *Journal of Near Eastern Studies*. Vol: 35. No: 2. Pp: 105-113. 1976.
41. _____, **Beginning of Urbanization in Iran.** University press center. Tehran. 1989.

42. Miroschedji, P. de, **Vases et objets en steatite susiene**. *Cahier de la Delegation Archaeologique Francaise en Iran*. Vol: 3. Pp: 9-80. 1973.
43. Mortazavi, Mehdi and Fariba Mosapour Negari. **At the Crossroads of the Persian Gulf and Indus Valley: A Systematic Survey at Tepe Bampur**. *Journal of Indian Ocean Archaeology*. 2008.
44. Mortazavi, Mehdi. **The Bampur Valley: A New Chronological Development**. *Ancient Asia*. vol. 1. Pp: 53-64. 2006.
45. Rao, S. R, **Lothal and the Indus Civilization**. London, Asia Publishing. 1937.
46. Polanyi, K, **Ports of trades in early society**. *Journal of Economic History*. Vol: 23. No: 1. Pp: 30-45. 1963.
47. Pittman, Holly, **Art of the Bronze Age of Southeastern Iran, Western Central Asia and The Indus Valley**, The Metropolitan Museum of Art, 1984.
48. Shirazi, Roohallah and Mehdi Dehmordeh Pahlavan, **Cultural Interactions Between Kerman, Makran and Hirmand Field Based on Clay Data In Bronze Age**. *Journal of Iranian Archaeology Research*, Vol: 7. No: 15. 2017.
49. Seyed Sajadi, Seyed Mansour, **Baluchistan Ancient Evidence since Prehistoric until Islam**, Iranian Journal of archaeology and history. 1988.
50. _____, 1996, **Archaeology and History of Baluchestan**. Iranian Cultural Heritage, Handicraft and Tourism Organization Press. Tehran. 1996
51. _____, **Proto-Elamite Clay Tablet**, human sciences, seventh year, serial No.15. Pp: 131-148. 2001.
52. _____, 2007, **Jewelry and Beading in Shahr-I Sokhte**, Zabol. 2007.
53. _____, **A Sign of Potters in the Shahr-I Sokhte**, *Journal of Research Institute ICHTO*, Vol: 3. No: 6. Pp: 63-96. 2004.
54. _____, 2005, Proto-Urbanism in the eastern half of Iran, *Anthropology Letter*, Vol: 3, No: 6. 2004.
55. _____, The First Cities of the Iranian Plateau. Vol: 1, SAMT. Tehran. 2005.
56. _____, The First Cities of the Iranian Plateau. Vol: 2, SAMT. Tehran. 2005.
57. Steward, Julian. H. **The Direct Historical Approach to Archaeology**. *American Antiquity*. Vol: 7. No: 4. Pp: 337- 43. 1942.
58. Stein, Sir Aurel. **Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran**. McMillan. London. 1937.
59. Salvatori, S. and M. Tosi, M. Vidale, **Crocevia dell Asia. L'Iran orientale e levoluzione delle civiltà protostoriche ad oriente della Mesopotamia e la ricerca italiana in Iran**, in *Antica Persia. I tesori del Museo Nazionale di Tehran* EDIZIONE DE LUCA, PP. 32-37, Roma. 2001.

60. Talaei, Hasan, **The Bronze Age of Iran**, SAMT, Tehran. 2006.
61. Tosi, M. and M. Piperno 1975, **The Graveyard of shahr-i Sokhteh** (a presentation of the 1972 and 1973 Campaing), in firouz Bagherzadeh, ed., proceedings of the 3rd Annual symposium on Archaeological Research in Iran 1974, Pp: 121-40. 1975.
62. Tosi, M., Malek Shahmirzadi, S., and Joyenda, M. A, **The Bronze Age in Iran and Afghanistan**, In: History of Civilizations of Central Asia, Eds: A. H.
63. Tosi, M, Excavations at shahr-i sokhta, preliminary Report on the second Campaing, 1968, East and West, 19: 283- 386. 1969.
64. _____, **A Tomb from Damin and the Problem of the Bampur Sequence in the Third Millenium Bc**, East and West, Vol: 20, No: 1-2, Pp: 9-50, 1970.
65. _____, shahr-i sokhta project: Rud-I Biyaban Tepe 2, Iran, 10: 174- 75. 1972.
66. _____, **The problem of Turquoise in the 3rd. Millennium B. C.** Trade Across the Iranian plateau, Memorie dell Istituto Italiano di paleontologia Umana 2: 147- 162. 1974.
67. Wheeler, M, **The Indus Civilization**. Supplementary Volume to the Cambridge History of India, 3rd ed, Cambridge . The University press. 1968.



نقشه ۱: پراکندگی محوطه‌های دوره برنز در جنوب غربی آسیا (سیدسیجادی، ۱۳۷۴: ۷۴).